

رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار در جرم‌خیزی شهری با رویکرد توسعه پایدار

تاریخ پذیرش: 1395/01/23

تاریخ دریافت: 1394/09/13

غلامرضا لطیفی¹، افشین رسولی²، کاوه قادری بگه جان³، لاله جاویدان⁴

از صفحه 115 تا 140

چکیده

زمینه و هدف: رویداد جرایم از نظر مکان، زمان و نحوه شکل‌گیری همیشه تصادفی نیست، بلکه اغلب تا حدی به ساختار و ویژگی‌های محل جرم بستگی دارد و می‌توان گفت یک پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط‌های اجتماعی به شکل‌های متفاوتی دیده می‌شود. از سویی وقوع جرم به‌عنوان یک پدیده نامطلوب اجتماعی، علل اقتصادی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، محیطی متعددی داشته و با توجه به اهمیت موضوع جرم در کشورهای مختلف، در سال‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای برای شناسایی و تبیین علل وقوع آن انجام شده است؛ بر همین اساس هدف این پژوهش رتبه‌بندی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در جرم‌خیزی شهری با تمرکز بر رویکرد توسعه پایدار است.

روش‌شناسی: در این مقاله، منطقه 17 تهران به عنوان نمونه موردی انتخاب شد. برای شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در جرم‌خیزی شهری مطالعات فراوانی صورت گرفت. بر اساس نظر کارشناسان از میان بیست و چهار عامل شناسایی شده، چهار عامل که دارای کمترین اهمیت بودند، حذف شدند و سپس برای رتبه‌بندی عوامل، پرسش‌نامه‌ای تهیه و در بین افراد مختلف در منطقه 17 تهران به صورت تصادفی توزیع شد، داده‌های حاصله با استفاده از نرم‌افزار مورد تحلیل قرار داده شد.

یافته‌ها: از میان عواملی که مورد بررسی قرار گرفت، در نهایت عوامل اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در جرم‌خیزی شهری انتخاب شدند.

نتیجه‌گیری: در پایان بر مبنای یافته‌های پژوهش نقش دستگاه‌های دولتی از جمله شهرداری‌ها و نهادهای دولتی دخیل در امر مدیریت شهری مورد توجه قرار گرفت و گسترش تسهیلات شهری، توسعه زیرساخت‌های اقتصادی، گسترش آموزش‌های عمومی و فردی پیشنهاد شد.

واژه‌های کلیدی: جرم‌خیزی شهری، رتبه‌بندی عوامل، عوامل اقتصادی، زیرساخت‌ها، توسعه پایدار.

1- دانشیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی تهران

2- کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه علامه طباطبایی تهران (نویسنده مسئول) afsheen.rasouli441@gmail.com

3- دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبایی تهران kaweh.ghaderi@gmail.com

4- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه اراک

جرم‌شناسی، علم مطالعه جرم و یک علم میان‌رشته‌ای در علوم رفتاری است که در آن، طبیعت، وسعت، علت و کنترل رفتار مجرمانه در فرد و جامعه، نهادهای کنترل‌کننده و سازمان‌های اصلاح‌کننده مورد بحث قرار می‌گیرند. اگر چه جرم‌شناسی به‌طور ویژه، شاخه‌ای از علوم اجتماعی است؛ اما در گسترش آن به‌عنوان یک طیف رشته‌های علمی متعددی همچون روان‌شناسی، زیست‌شناسی، مردم‌شناسی و حقوق نقش داشته‌اند. علاوه بر اینکه تعاریف موجود در زمینه جرم‌شناسی معاصر ریشه در تمامی این رشته‌های مختلف دارد، در این اواخر این تعاریف به حوزه‌های دیگر علمی و حرفه‌ای همچون جغرافیا، مددکاری اجتماعی و بهداشت عمومی گسترش یافته است (میشل میلر¹، 2009: 2). مکتب جغرافیای جرم نتیجه اندیشه‌های کتله² بلژیکی و گری³ فرانسوی است. کتله در کتاب مشهورش به نام فیزیک اجتماعی آمار مربوط به بزه‌کاری در فرانسه را بین سال‌های 1825 و 1836 مورد مطالعه قرار داد. او به کمک اعداد و ارقام، همبستگی و ارتباط محیط جغرافیایی و جرم را نشان داد. به اعتقاد وی جرایم ارتكابی در یک جامعه و نوسانات متناوب آن مانند یک تابع ریاضی وابسته به تغییرات شرایط اقتصادی و اجتماعی زمان و مکان است. تحقیقات کتله مورد توجه بسیاری از اندیشمندان کشورهای مختلف از جمله ایتالیا، فرانسه و آلمان قرار گرفت و همین امر موجب بروز جنب‌وجوش‌های علمی جدید و از جمله ایجاد رشته جدیدی در زمینه آمار جنایی به نام کتلیسم شد. تحقیقات کتله باعث شده است تا جرم به‌عنوان یک پدیده اجتماعی تابع دو متغیر زمان و مکان شناخته شود (احمدی، 1392: 48). تحقیقات موسسه توسعه پایدار اکسفورد نشان داده است که تا چه حد جرایم شهری می‌تواند نقش اساسی در نرسیدن به شهری پایدارتر و عادلانه‌تر ایفاء کنند؛ الگوهایی که از نظر اجتماعی پایدار نیستند و می‌توانند فضای شهر را مستعد برای جرم‌خیزی بکنند و محلاتی غیردوستانه و اضطراب‌های زیست محیطی ایجاد می‌کنند. وجه منفی آن مشکلات عمده‌ای است که به‌وجود می‌آورد که نمونه بارز آن ناامن شدن بخش‌هایی از شهر است. با توسعه جوامع و صنعتی شدن شهرها، آداب و رسوم سنتی و قوانین

1-Mitchell Miller

2-Quetle

3-Guerry

اجتماعی تا حد زیادی ارزش خود را از دست داده و زمینه بروز انواع آسیب‌های اجتماعی، جرائم و بزه‌کاری به‌ویژه در شهرهای بزرگ و پرجمعیت فراهم شده، سلامت و امنیت جامعه را به مخاطره انداخته است که این خود در تضاد با شاخص‌های توسعه پایدار شهری یعنی امنیت است؛ به عبارتی به موازات افزایش جمعیت در شهر میزان جرایم نیز بالا می‌رود. به این ترتیب افزایش جمعیت در شهر، امنیت فردی و اجتماعی را کاهش می‌دهد. به نظر جامعه‌شناسان شهرها به دلیل گستردگی، بالا بودن میزان جمعیت، گسترش حاشیه‌نشینی، فراوانی جمعیت بیکار، انبوهی از جرم‌ها را به بار می‌آورد (اسماعیل نژاد، 1388: 8). در پیش‌گیری جرم از طریق طراحی محیطی، معماری، نحوه ساخت‌وساز و موقعیت سنجی اماکن در شهر، بررسی می‌شود و رابطه آن با ارتکاب جرم مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نحوه طراحی محیطی و معماری شهری می‌تواند در ارتکاب یا انصراف از جرم، فراهم کردن فرصت یا بالا بردن خطر مجرمانه مؤثر واقع شود.

بیان مسئله

از آنجا که برای ارتقای سطح زندگی شهری از رویکرد توسعه پایدار که تمام ابعاد زندگی فرد را دربر می‌گیرد، غلبه بر مسایل شهری، راهبرد ضروری جهان امروز است. بر اساس یافته‌های تحقیقات عبادی‌نژاد (1387)، پیرامون عوامل مؤثر در ایجاد جرایم و شناسایی مکان‌های جرم‌خیز به لحاظ جغرافیایی و ساختار فیزیکی شهرها می‌توان گفت که میادین و خیابان‌های محل تلاقی عاملان ایجاد جرم، شلوغی، رفت و آمد زیاد، تعداد قابل توجه دست‌فروشان و افراد بیکار و ولگرد، محل پیاده و سوار شدن مسافران درون و برون شهری، عدم تجانس عابران اعم از زن، مرد، پیر، جوان، بومی و غیربومی و تماس بیشتر شهروندان در این محدوده‌هاست که ساختار فضایی پیچیده و ناهمگونی را بر این بخش حاکم کرده و باعث می‌شود، امکان کنترل رسمی و غیررسمی فعالیت‌های غیرقانونی افراد به حداقل برسد؛ بنابراین می‌توان با طراحی کالبدی شهر از طریق طرح کالبدی ساختمان و طراحی پلان و دسترسی به سایت‌های جرم‌خیز، بتوان از ایجاد محیط‌های مناسب برای جرم و جنایت، پرهیز کرد تا به‌عنوان بازدارنده از ارتکاب جرائم عمل کرد. از سویی دیگر تنها دلیل جرم‌خیزی را نمی‌توان به ساختار محیطی شهرها

ارجاع داد، بلکه ناهنجاری‌ها و رفتارهای اخلاص گرانه چون اعتیاد، ولگردی، تکدی‌گری، سرقت می‌توانند از سوی افراد ایجاد شده و به نوبه خود زمینه رواج گسترده جرایم شهری را نیز فراهم آورند. در مقیاس ساختاری نیز، نبود جهت‌گیری‌های سیاسی یک کشور و برنامه‌ریزی‌های ناصحیح اقتصادی و فرهنگی می‌تواند در معیشت مردم تأثیر گذاشته و میل به ایجاد جرم را در میان شهروندان بالا ببرد؛ چراکه بدیهی است عواملی نظیر فقر، پایین بودن سطح سواد و آموزش، بیکاری و فقدان امکانات و... می‌توانند در میزان جرایم شهری مؤثر باشند؛ برای مثال در ایران به دلیل رویکرد تمرکزگرای دولت و عدم توجه به توسعه مطلوب مناطق روستایی و تخریب روز افزون روستاها و مواجهه آنها با بیکاری گسترده، میزان بالایی از مهاجرت به شهرها به خصوص کلان‌شهر تهران را می‌بینیم. به دلیل پایین بودن نسبی اجاره بها و قیمت مسکن در نقاط پیرامونی شهر تهران، مهاجران تازه‌وارد اغلب در این نقاط ساکن می‌شوند و همین، تنوع قومی- فرهنگی افراد را در مناطق پیرامونی موجب می‌شود. به باور نگارندگان همین تنوع فرهنگی در محله‌های مناطق پیرامونی شهر تهران می‌تواند منشاء جرم‌خیزی این محلات شود. در این مقاله سعی شده است تا بانیان جرم در شهرها در ابعاد مختلف شناسایی شوند و سهم هر یک نیز مشخص شود و این سؤال مطرح می‌شود که بیشترین عامل جرم‌خیزی شهری متوجه کدام یک از مؤلفه‌های محیطی، اقتصادی، سیاسی و فردی است؟

مبانی نظری

توسعه پایدار¹

مفهوم پایداری در واقع تلاشی است برای دستیابی به بهترین نتایج در برنامه‌های محیط انسانی و طبیعی که برای حال و به صورت نامحدود برای آینده صورت می‌پذیرد. هدف از توسعه پایدار «رفع نیازهای نسل حاضر بدون تضییع توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود» است و از این تعریف ساده، سندی از کنفرانس ملل متحد در زمینه محیط زیست و توسعه² به عنوان یک طرح کار توسعه پایدار برای قرن 21 بیرون

1-Sustainable development

2-<http://www.uncsd2014.org/>. united nations conference on environment and development 2014

آمد (دارکاکیس³، 1996: 3). در واقع سیاست‌های اصولی توسعه پایدار در چهار مقوله زیر قابل تقسیم است (چارلز⁴، 1995: 4):

- به حداقل رساندن مصرف منابع طبیعی تجدیدناپذیر مانند سوخت‌های فسیلی و منابع کافی؛

- پایدار ساختن مصرف منابع طبیعی تجدیدناپذیر (مانند آب‌های زیرزمینی، خاک و گیاهان)؛

- نگه داشتن حد تولید ضایعات و آلودگی‌ها در میزان ظرفیت جذب محلی و جهانی مانند گازهای گلخانه‌ای، مواد شیمیایی نابود کننده لایه اوزون و زباله‌های سمی؛

- تأمین نیازهای پایه انسانی و اجتماعی مانند دسترسی به معیشت، مشارکت اجتماعی و دسترسی به محیط سالم و خدمات پایه.

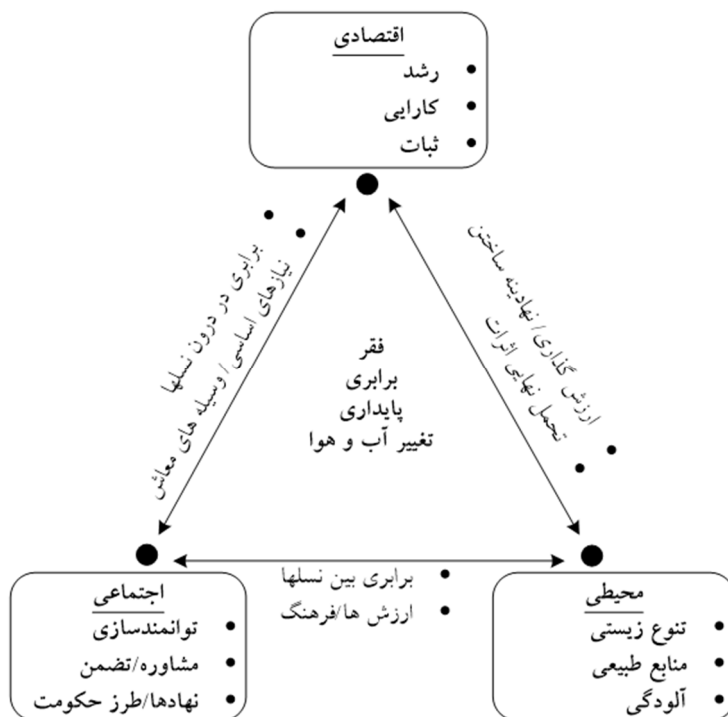
در یک دید کلی اهداف اصلی توسعه پایدار شامل اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است که دارای روابط متقابلی با یکدیگر هستند. نمودارهای زیر به سه هدف کلی و روابط متقابل آنها در توسعه پایدار اشاره می‌کند که دیدگاه‌های سه گروه اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و اکولوژیست‌ها را دربر می‌گیرد. یکی از موارد اصلی در توسعه پایدار تکامل توأم اقتصاد، ساختار و فرهنگ است. شکل شماره یک، مثلث توسعه پایدار را نشان داده است. برای ایجاد شهری مطلوب و سالم دارای توسعه پایدار، باید ابعاد اجتماعی اقتصادی توسعه را در نظر گرفت و با تأمین عدالت اجتماعی از بحران‌ها، تنش‌ها و چالش‌های مختلف جلوگیری کرد. افزایش آگاهی برنامه‌ریزان و مدیران شهری در زمینه ابعاد گوناگون توسعه و اجرای اقداماتی که به تعادل اکولوژیک و تعادل اجتماعی بینجامد، زمینه استقرار توسعه پایدار شهری را فراهم می‌سازد. بی‌گمان ایجاد این تعادل‌ها به تغییر ساختار یا تعدیل ساختار نظام‌های اقتصادی اجتماعی نیاز دارد.

جامعه باید برای کاهش خطرهای اجتماعی در نواحی پرخطر مخارج بیشتری تقبل کند. به‌طور کلی صورت‌بندی و فرم‌های موجود در الگوی پراکنش خدمات در سطح شهر ناشی از فرآیندهای اجتماعی اقتصادی خاصی است. محیط زیست شهری مطلوب و

3- Darkakis

4- Charles

دستیابی به اهداف توسعه پایدار نیازمند شناخت عوامل جرم‌زای شهری است. عدم شناخت شبکه‌ها، کارکردهای مناسبات و ارتباطات فضایی در شهر، بی‌توجهی به عدالت اجتماعی و مکان‌گزینی مراکز خدمات شهری عمدتاً بر اساس بهره‌وری اقتصادی و بی‌توجهی به نیازها و تمایلات اجتماعی شهری موجب آشفتگی و بروز جرم‌خیزی در فضاهای شهری بزرگ شده است. جامعه شهری امروز نیازمند مدیریتی جدید است؛ زیرا ساختار شهر و روابط و مناسبات اقتصادی اجتماعی آن در این مقطع زمانی سریعاً در حال تغییر و تحول است.



شکل شماره (1): مثلث توسعه پایدار

در سازمان ملل مسائل محوری و شرایط ضروری برای توسعه پایدار که به وسیله کمیسیون جهانی توسعه و محیط مورد شناسایی قرار گرفته است، بدین قرار است؛ جمعیت و توسعه، امنیت غذایی، انرژی، صنعت و چالش‌های شهری و پیگیری سیاست مبتنی بر توسعه پایدار، متضمن رعایت موارد ذیل است:

- نظامی وجود نظام سیاسی که مشارکت مؤثر شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری را تضمین کند؛
- نظامی اقتصادی که راه‌حلهایی برای تنش‌های برخاسته از توسعه هماهنگ و ناموزون را فراهم آورد؛
- نظامی تولیدی که تعهد حفظ مبانی بوم‌شناسی برای توسعه را محترم شمارد؛
- نظامی فناورانه که الگوهای پایدار برای تجارت را برنامه‌ریزی کند؛
- نظامی بین‌المللی که الگوهای پایدار برای تجارت را برنامه‌ریزی کند (فیروزبخت، 1391: 7).

توسعه پایدار شهری⁵

الگوی شهر پایدار می‌تواند در شکل‌های مختلف و بی‌شماری بسته به تاریخ منطقه، فرهنگ، پایه اقتصادی اقلیم و محیط و سیاست‌ها نمود پیدا کند. اصولاً پایداری باید روی اهداف انسانی به عنوان هسته اصلی هر راه‌کار توسعه شهری تأکید کند. توسعه پایدار شهری باید دارای چهار مشخصه زیر باشد:

- بهره‌وری: در واقع یک مبادله پویا است، بین نظام طبیعی و نظام‌های اجتماعی-اقتصادی که تولید غذا و دیگر کالاها را برای مردم تضمین می‌کند، بدون آنکه برای نظام ضرری داشته باشد. بهره‌وری ظرفیت جامعه برای استفاده یا تغییر شکل نظام‌های طبیعی در تولید غذا و کالا با بازده بهینه را می‌سنجد.
- عدالت: یعنی ظرفیت جامعه در توزیع عادلانه فرصت و تهدیدهایی که ناشی از کاربرد یا تغییر نظام‌های طبیعی پیرامون هستند؛ مانند توزیع آنچه که از فرایند توسعه حاصل می‌شود. این اصطلاح در مورد توزیع ثروت در بین مردم نیز به کار می‌رود.
- انعطاف‌پذیری: به ظرفیت جامعه در واکنش به فشارهای طبیعی یا تحمیل ضربه‌های ناگهانی گفته می‌شود. انعطاف‌پذیری یعنی قابلیت سیستم برای ترمیم یا نگهداری سطح بهره‌وری در بی‌نظمی‌های کوتاه‌مدت، یا طولانی‌مدت.

- ثبات: یعنی ظرفیت جامعه در ادامه استفاده یا تغییر فرایند نظام‌های طبیعی بدون دگرگونی شدید (مولدان و بیلهارز، 1381 و 1387).
- هال و پفیفر⁶ (2000) در خصوص معنی و مفهوم توسعه پایداری شهری می‌نویسند؛ «شکلی از توسعه امروزی که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین کند»، از نظر آنها پایداری شهری مستلزم موارد زیر است:
- وجود یک اقتصاد پایدار شهری موجد کار و ثروت؛
- همبستگی و انسجام شهری؛
- سرپناه پایدار شهری موجد مسکن مناسب و قابل تهیه برای همه؛
- محیط زیست پایدار شهری موجد اکوسیستم‌های بادوام و پایا؛
- دسترسی پایدار شهری موجد منابع حفاظت‌کننده قابلیت‌های تحرک‌های اجتماعی؛
- زندگی پایدار شهری موجد یک شهر زنده؛
- مردم‌سالاری پایدار شهری موجد توانمندسازی حقوق و مرتبه شهروندی (هال و پفیفر، 2000).

عوامل مؤثر در ایجاد جرم

صاحب‌نظران و دانشمندانی که پدیده جرم را مورد پژوهش و بررسی خود قرار داده‌اند، به این نتیجه دست یافته‌اند که در وقوع بزه و پیدایش فرد بزه‌کار و مجرم، عوامل زیر نقش دارند که در تحقیق حاضر هر دو عامل درون و برون فردی مورد تأکید قرار گرفته و با بررسی ابعاد مختلف آن، سهم هر کدام مشخص شد.

الف - عوامل درون فردی:

- برداشت و تفسیر هر فرد از یک واقعه و نظام تبیینی فرد؛
- ویژگی‌های جسمانی و فیزیولوژیکی؛

- عوامل شخصیتی و روانی؛

ب - عوامل برون فردی:

خانواده: بنیاد شخصیت سالم در خانواده پی‌ریزی می‌شود و الگوهای ارتباطی میان والدین (زن و شوهر) و سبک‌های فرزندپروری (مستبدانه، لیبرال، بی قید) گسستگی خانواده، فقدان محبت در محیط خانواده و تبعیض و محرومیت می‌تواند زمینه‌ساز خشونت و برخی اعمال مجرمانه باشد.

میزان درآمد: پژوهش‌ها نشان می‌دهند که جرم در مناطق کم درآمد و حاشیه‌نشین شهرهای بزرگ بیشتر است.

منطقه جغرافیایی: جرم در مناطق کثیف بیشتر است. مناطق زاغه‌نشین و مناطقی که تعداد زیادی مجرم را در خود جای داده است. هم‌چنین مناطق جغرافیایی که دارای زمین‌های زراعی، کوهستانی و همراه با قحطی، ازدحام جمعیت و خشک‌سالی باشد، خشونت و جرایم خودبه‌خود بالا خواهد رفت.

الگوها و آرمان‌ها: مقصود آن چیزی است که عملاً در گروه‌ها و خرده‌گروه‌هایی که فرد در آن عضویت دارد، ارزنده‌سازی می‌شود و فرد برای آنکه دیگران نگرش بدی نسبت به او نداشته باشند و احیاناً وی را طرد نکنند با آنها هم‌نوا می‌شود.

عوامل فرهنگی: از جمله کارکردهای فرهنگ این است که به ما می‌گوید با دیگران چگونه تعامل داشته باشیم. عواملی که سبب می‌شوند فردی مرتکب جرمی شود، تعاملی بوده و نگرش‌های تک‌محوری نسبت به مجرم و جرمی که مرتکب شده (مثلاً توجیه و تبیین تنها بر مبنای اراده فردی) به‌دور از واقعیت است (صمدیار، 1389: 23).

نظریات پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیطی⁷

نظریات پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیطی⁸ بر این فرض ساده مبتنی هستند که بخش قابل توجهی از وقوع جرایم ناشی از عوامل فیزیکی و محیطی است؛ بر همین اساس تغییر در محیط و طراحی فضاهای مناسب شهری می‌تواند از میزان وقوع

جرايم بکاھد (کلارک⁹، 1977: 164). اين رويکرد در زمينه طراحي در دهه 1970 و 1980 شکل گرفت؛ اين ايده بر اساس نظريات کساني همچون جاکوب (1961)، نيومن (1972) و ري جفري (1971) انتشار يافت. در اين ميان، به اين دليل که رويکرد نيومن بسيار پيچيده تر و چند جانبه تر بود، کار نيومن با عنوان نظريه فضاى قابل دفاع¹⁰ را اساس کار اين رويکرد در دوران مدرن مي دانند که اين نظريه در دو نسل به تکامل رسيد؛ نسل اول اين نظريه به بررسي علمي راهبردهاي نظام مند کاهش جرم از طريق کاهش مخاطرات محيط فزيکي مي پردازد. اصول اين راهبردها شامل نظارت طبيعي، کنترل دسترسي، تقويت قلمروگرايي و جاي گذاري مناسب کاربري زمين مي شود و اصول بنيادي نسل دوم مضاف بر اصول کالبدي و محيطي، به عوامل اجتماعي نيز توجه داشت و اين نسل با استفاده از نظريه هاي جاکوب، راهبردهاي خود را به روابط با همسايه ها و جامعه محلي، گسترش مي دهد و علاوه بر عوامل محيطي عوامل اجتماعي را نيز مد نظر قرار مي دهد. اين راهبردها عبارتند از: همبستگي اجتماعي، پيوند اجتماعي، فرهنگ اجتماعي و ظرفيت آستانه (توجه به فاکتورهاي برنامه ريزي و طراحي) (کازنس و لايو¹¹، 2015: 2). ساير نظريه ها نيز به طور اخص، تاکيد شاياني بر طراحي هاي محيطي کرده اند؛ براي مثال نظريه چيدمان فضا¹² در دهه 1980، توسط هيلير و هنسون¹³ با نگاهی ريخت شناسانه به شهر، به بررسي روابط بين فضاها پرداخت. در اين نظريه به اين مسئله پرداخته مي شود که چگونه شکل فضايي شهر، روابط را از طريق جريان حرکت تعيين مي کند و بر الگوي کاربري زمين و تراکم شهري اثر مي گذارد. چيدمان فضا به طور ويژه بر آنچه که مردم مي بينند و درک اين امر که توسط ديگران ديده مي شوند، اشاره دارد. اين نظريه بيان مي دارد که نظارت همسايگان در طول یک مسير، بسيار با اهميت تر از ديده شدن از هر نقطه از راه يا حتى خانه خود فرد است (اشنايدر و کيچن¹⁴، 2007: 15). تحقيقات بر اساس اين نظريه نشان مي دهد که فضاهايي که داراي ارتباط بيشتري با ديگر فضاهاي شهر است و حرکت بيشتري درون آنها رخ مي دهد، از ايمن ترين فضاها هستند (کازنس، 2002: 11).

9- Clarke

10-Defensible Space

11 - Cozens and Love

12-Space Syntax

13- Heyler & henson

14-Schneider & Kitchen

در نظریات جدید نیز عوامل متعددی را در ایجاد جرم‌های شهری مؤثر دانسته که از این میان می‌توان به نظریه شهرگرایی نوین¹⁵ اشاره کرد. این نظریه در میانه قرن بیستم مطرح شد و بیان‌گر مجموعه‌ای از ایده‌های طراحی و برنامه‌ریزی شامل مفاهیمی چون رشد پایدار، جوامع مناسب برای زندگی، توسعه با نوسنت‌گرایی، طراحی سنتی واحد همسایگی، توسعه با رویکرد حمل و نقل عمومی است که هر کدام به نوعی بر پایداری تأکید دارند. مواجهه شهرگرایی نوین با جرم بر دو مورد متمرکز شده است؛ اولین و مهم‌ترین مورد متمرکز بر نفوذپذیری لایه‌های جامعه در یکدیگر (مشابه نظریه چیدمان فضا) و دومی متمرکز بر کاربری‌های مختلط است (همان). در این نظریه هم‌چنین بر هفت مؤلفه کیفی فضای ایمن تأکید شده است که عبارتند از حضور انسان، تناسب و تجانس فضا، مراقبت و حمایت انسانی، پیدایی روشنی و گشودگی، نظم، ارتباطات و خوانایی (منشور نوشهرگرایی، 1387: 135).

پیشینه تحقیق

بیانلو و منصوریان (1385)، در پژوهشی با عنوان «رابطه تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم» به بررسی رابطه بین عوامل جمعیت‌شناختی و بوم‌شناختی با نرخ جرائم و هم‌چنین شناسایی نقاط جرم‌خیز و جرائم خاص در شهر شیراز پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از این بود که تراکم جمعیت با متغیرهای نرخ قتل، جعل اسناد، کلاهبرداری، کیف قاپی و سرقت‌های عادی رابطه معناداری دارد.

شاهیوندی و دیگران (1388)، در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر توزیع فضایی جرایم در مناطق شهر اصفهان» به مطالعه نحوه توزیع فضایی اعمال مجرمانه و تأثیر عوامل محیطی بر ارتکاب آنها در مناطق جغرافیایی شهر اصفهان پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که بین متغیرهای زمان وقوع جرم و نوع جرم، مناطق وقوع جرم و نوع جرم و تراکم جمعیت و تعداد جرائم، رابطه معناداری وجود دارد.

زنگی آبادی و رحیمی (1389)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فضایی جرم در شهر کرج با استفاده از GIS» به ارزیابی شرایط مکانی شهر کرج در رفتار و فعالیت‌های غیرقانونی پرداخته‌اند، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین ارتکاب جرم و ویژگی‌های محل وقوع جرم

مثل تاریکی و خلوتی محیط ارتباط معناداری وجود دارد. به علاوه تراکم جمعیت و افزایش روند مهاجرت به شهر کرج یکی از عوامل مؤثر در بروز جرم در این شهر است. این پدیده در مناطق حاشیه‌نشین شهر کرج سبب افزایش میزان جرائم شده است.

در مطالعات خارجی مشابه نیز می‌توان به فنگ و همکاران¹⁶ (2015) اشاره کرد که در تحقیقی با عنوان « تحلیل فضای و مکان‌یابی جرم‌خیزی شهری در پکن » با استفاده از GIS به بررسی الگوی فضایی جرم‌خیزی در پکن پرداختند. در این پژوهش، هدف نگارندگان شناسایی و طراحی یک مدل جغرافیایی و فضایی از جرم‌خیزی شهری بود. یافته‌های این پژوهش حاکی از این مسئله بود که ساختار فضایی و توزیع جغرافیایی جرم و جنایت در مراکز شلوغ و پرتراфик، تراکم جمعیت شهری و در نواحی مهاجرنشین شهر بیشتر است.

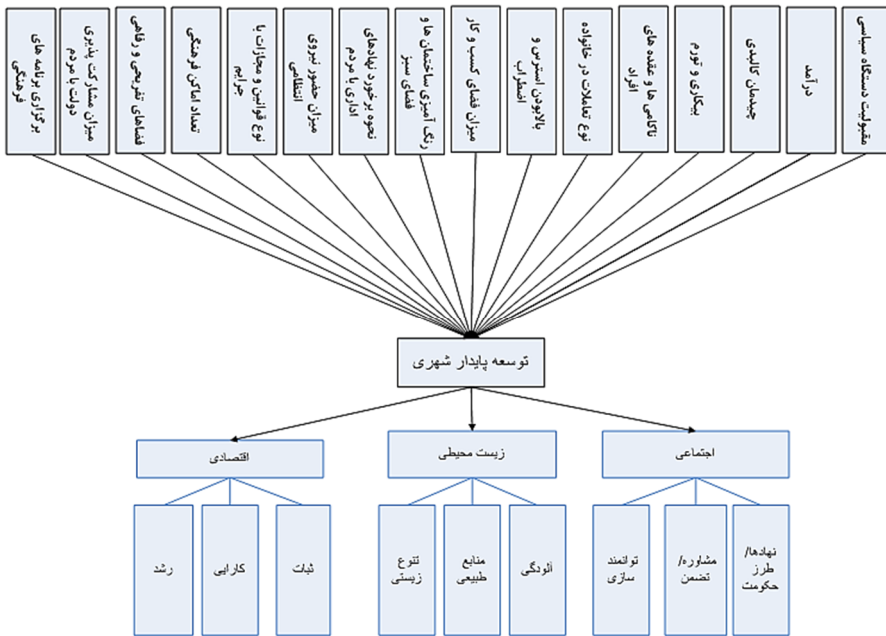
بری و لویت¹⁷ (1999) اشاره کردند که در پژوهشی با عنوان «جرم‌ها و ناآرامی‌های شهری» به بررسی تأثیر میزان مهاجرت‌ها به شهرها پرداخته‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که به موازات افزایش جمعیت شهرها، میزان جرایم شهری نیز بالا می‌رود. هم‌چنین مطالعاتی که دانشگاه شیکاگو¹⁸ (2001) در این زمینه انجام داده، تنوع قومیتی و فرهنگی را به عنوان عاملی مهم قلمداد می‌کند. از سویی همواره خسارات جانی و مالی فراوانی که از پدیده ضداجتماعی به بار می‌آید، دولت‌ها را از همان ابتدا وادار به مبارزه با این پدیده کرده است که همواره هزینه‌های گزافی را در برخورد با این پدیده متحمل می‌شود. از سوی دیگر، همان‌گونه که در بیماری‌های جسمی، پیش‌گیری به درمان ترجیح دارد، در بیماری‌های روحی و روانی نیز بهتر است پیش از آنکه فرد دچار اختلال شود، به فکر پیش‌گیری بود. مقاله حاضر نقش بزه‌کاری و جرم‌های شهری را با اهمیت دانسته و درصدد آن است که چه عواملی افراد را به سوی جرم سوق می‌دهد و سهم کدامیک از این عوامل بیشتر است تا بتوان در برنامه‌ریزی‌های برخورد با جرم‌خیزی شهری مسیر درست‌تری را طی کرد.

16- Feng et al

17- Julie Berry and Levitt

18-The University of Chicago Press

مدل مفهومی تحقیق (منبع: محققان)



سوالات تحقیق

مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر در جرم‌خیزی شهری کدامند؟

میزان تأثیرپذیری توسعه پایدار شهری از جرایم شهری چه میزان است؟

سهم هر کدام از مؤلفه‌های شهری در ایجاد جرم چقدر است؟

مهم‌ترین راهکارهای مدیران شهری در پیش‌گیری از جرم چیست؟

روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق ابتدا با استفاده از مطالعه مقالات مختلف در این زمینه، مهم‌ترین عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار بر ایجاد جرم در فضاهای شهری شناسایی شدند و از میان عوامل مختلف، مهم‌ترین آنها مورد تأیید قرار گرفت؛ برای مثال برخی نظریه‌پردازان، نظیر اسکار نیومن در نظریه قابل دفاع، هیلر و هینسون در نحوه چیدمان فضا، نقش عوامل محیطی را برجسته‌تر می‌دانند. در خلال سال‌های 1995 و 2002، دو رهنمود در

خصوص پیش‌گیری از جرم، توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به تصویب رسید که در آن به جایگاه دولت و سیاست‌گذاری‌های آن در ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفت. (پبله‌رو، 1387: 22) یا اینکه دی تولیو¹⁹ روان‌شناس بالینی ایتالیایی که مطالعات گسترده‌ای بر روی جرم انجام داده است، نقش فرد را مؤثرتر می‌داند.

در این مقاله سعی شده است تا از ابعاد مختلف بر اساس نظریات موجود در این زمینه سهم هر کدام مشخص شود. برای روایی فاکتورهای مختلف به‌دست آمده پرسش‌نامه‌ای طراحی شد و بین اساتید و نخبگان مدیریت شهری توزیع شد که آلفای کرونباخ 0/78 به‌دست آمد. سپس پرسش‌نامه‌ای طراحی شد و به صورت تصادفی بین افراد مختلف در محدوده منطقه 17 شهر تهران و کارکنان شهرداری این منطقه توزیع شد تا مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد جرم در منطقه 17 شناسایی شود. سپس با استفاده از نرم افزار SPSS، مهم‌ترین و کم اهمیت‌ترین عوامل درونی و بیرونی مورد شناسایی قرار گرفت و فاکتورهایی که کم‌ترین اهمیت را در میان سایر عوامل به‌دست آورده بودند حذف شدند. مشخصات پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه‌های از قبل طراحی شده در جدول شماره یک به اختصار آمده است.

یافته‌های تحقیق

الف: یافته‌های توصیفی

جدول شماره (1): مشخصات پاسخ‌دهندگان

جنسیت	سن	تحصیلات				مجموع				
	20	30	40	50	دیپلم و فوق لیسانس	کارشناسی دکترا و	147			
	30	40	50	به بالا	پایین‌تر دیپلم	ارشد بالاتر				
مرد	39	31	16	10	18	11	51	13	3	96
زن	15	21	9	6	16	5	22	8	-	51

آنچه که از مطالعه مقالات مختلف مرتبط با موضوع به عنوان مهم‌ترین فاکتورهای تأثیرگذار در جرم‌خیزی شهری در جدول شماره دو، با عناوین مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی و محیطی و فردی دسته‌بندی شدند.

جدول شماره (2): مؤلفه‌های مؤثر در جرم‌خیزی شهری

ردیف	مؤلفه	عنوان	منبع
1	سیاسی	مقبولیت دستگاه سیاسی حکومت در بین مردم	(کلانتری، 1388)
2		میزان مشارکت‌پذیری دولت با مردم	(آیت الهی، 1386)
3		میزان ارتباط با نهادهای بین‌المللی	(قوام ابادی، 1390)
4		نحوه برخورد نهادهای اداری با مردم	(خاکپور، 1388)
5		میزان حضور نیروی انتظامی و نحوه برخورد	(همتی، 1390)
6		نوع قوانین و نوع برخورد با مجرمان	(زاهدی، 1385)
7	اجتماعی، فرهنگی	تعداد اماکن فرهنگی (نگارخانه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها، روزنامه فروشی‌ها و...)	(ستوده، 1388)
8		برگزاری برنامه‌های فرهنگی	(سربرافراز، 1388)
9		میزان تعاملات فرهنگی در منطقه	(صادقی و همکاران، 1384)
10		میزان مشارکت نیروی انتظامی با مردم	(سروستانی، 1386)
11	اقتصادی	میزان درآمد افراد	(رابرت جی و مکاران، 2012) ¹
12		میزان بیکاری و تورم (سطح عمومی قیمت‌ها) در منطقه	(انیوان، 2003) ²
13		میزان فضای فعالیت و اشتغال در منطقه	(جانن کاوینگتون، 1998) ³
14	جغرافیایی و محیطی	چیدمان کالبدی ساختمان‌ها	(حاتمی نژاد، 1391)
15		دسترس‌پذیری، میزان ترافیک شهری در منطقه	(حاتمی نژاد، 1391)
16		فضای سبز، رنگ‌آمیزی ساختمان‌های مسکونی و مغازه‌های تجاری	(ژورنال مدیریت شهری ⁴ ، 2001)
17		میزان فضاهای تفریحی و رفاهی	(حاتمی نژاد، 1391)
18	فردی	بالا بودن استرس، اضطراب و افسردگی	(نظری، 1387)
19		نوع تعامل بین افراد خانواده (سرد، گرم)	(گیدنز، 1391)
20		ناکامی‌ها و عقده‌های شخصی افراد در منطقه	(نظری، 1387)

1-Rabert j stone and et al

2-O newan and et al

3-Janet kavington and et al

4- Journal of Urban Technology

در جدول شماره سه، نظرات پاسخ‌دهندگان در انتخاب مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در جرم‌خیزی شهری در منطقه 17 تهران پس از بررسی در نرم افزار قرار گرفته است که در این میان عوامل اقتصادی بیشترین میانگین را به دست آورده‌اند.

ب: یافته‌های استنباطی

جدول شماره (3): انحراف استاندارد¹ فاکتورهای تأثیرگذار در جرم‌خیزی شهری

ردیف	عوامل مؤثر در / ایجاد جرم در منطقه	df	p-value	T	Standard deviation	Mean
1	سطح تعاملات موجود در خانواده	147	0/00	14/09	0/7243	4/042
2	میزان فضای فعالیت و اشتغال در منطقه	147	0/00	6/77	0/9190	3/635
3	تعداد اماکن فرهنگی در منطقه	147	0/00	3/64	1/1771	3/438
4	نوع قوانین و نوع برخورد با مجرمان	147	0/003	2/77	0/9567	3/271
5	میزان مشارکت نیروی انتظامی با مردم	147	0/928	-1/47	0/9017	2/865
6	میزان فضاهای تفریحی و رفاهی در منطقه	147	0/00	4/07	1/0544	3/438
7	میزان ارتباط با نهاد های بین‌المللی	147	0/997	-2/76	0/8141	2/771
8	چیدمان کالبدی فضایی شهری	147	0/00	9/85	0/8293	3/833
9	ناکامی‌ها و عقده‌های شخصی افراد	147	0/035	1/83	0/7811	3/146
10	میزان بیکاری و تورم	147	0/00	16/48	0/6689	4/125
11	برگزاری برنامه های فرهنگی در منطقه	147	0/008	2/46	1/0807	3/271
12	نحوه برخورد نهادهای اداری با مردم	147	0/005	2/64	0/8520	3/229
13	دسترس‌پذیری و میزان ترافیک شهری	147	0/977	-2/01	0/6589	2/865
14	میزان درآمد اقتصادی افراد	147	0/00	18/48	0/5743	4/083
15	میزان حضور نیروی انتظامی و نحوه برخورد	147	0/017	2/15	0/8078	3/177
16	بالا بودن استرس و اضطراب فردی	147	0/014	2/23	0/8248	3/188

1-Standard deviation

ردیف	عوامل مؤثر در ایجاد جرم در منطقه	df	p-value	T	Standard deviation	Mean
17	میزان مقبولیت دستگاه سیاسی حاکم	147	0/00	6/61	0/6793	3/458
18	میزان مشارکت‌پذیری دولت با مردم	147	0/004	2/67	1/1832	3/323
19	میزان تعاملات فرهنگی در منطقه	147	0/787	-0/8	1/0226	2/917
20	رنگ‌آمیزی ساختمان‌های مسکونی تجاری	147	0/00	15/61	0/7799	4/240

بر اساس داده‌های به‌دست آمده از جدول شماره سه و بر اساس COV محاسبه شده، فاکتورها را دسته‌بندی کردیم که در جدول شماره چهار می‌توان مشاهده کرد؛ به این ترتیب فاکتورهایی که کمترین امتیاز را از میان سایر فاکتورها به‌دست آورده بودند را حذف کردیم.

جدول شماره (4): رتبه‌بندی مهم‌ترین فاکتورهای تأثیرگذار در جرم‌خیزی شهری

ردیف	مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد جرم در منطقه	Rank	COV
1	سطح تعاملات موجود در خانواده	3	0/1792
2	میزان فضای فعالیت و اشتغال در منطقه	8	0/2528
3	تعداد اماکن فرهنگی در منطقه	15	0/3424
4	نوع قوانین و نوع برخورد با مجرمین	12	0/2925
5	میزان فضاهای تفریحی و رفاهی در منطقه	13	0/3067
6	چیدمان کالبدی فضایی شهری	6	0/2163
7	ناکامی‌ها و عقده‌های شخصی افراد	7	0/2483
8	میزان بیکاری و تورم	2	0/1621
9	برگزاری برنامه‌های فرهنگی در منطقه	14	0/3304
10	نحوه برخورد نهادهای اداری با مردم	11	0/2638
11	میزان درآمد اقتصادی افراد	1	0/1406
12	میزان حضور نیروی انتظامی و نحوه برخورد	9	0/2543
13	بالا بودن استرس و اضطراب فردی	10	0/2588
14	میزان مقبولیت دستگاه سیاسی حاکم	5	0/1964
15	میزان مشارکت‌پذیری دولت با مردم	16	0/3561
16	رنگ‌آمیزی ساختمان‌های مسکونی و تجاری و فضای سبز	4	0/1835

پس از بررسی داده‌هایی که از پرسش‌نامه‌ها به‌دست آمد از میان بیست فاکتور شناسایی شده 4 فاکتور، میزان تعاملات فرهنگی در منطقه، دسترس‌پذیری و میزان ترافیک شهری، میزان ارتباط با نهادهای بین‌المللی و میزان مشارکت نیروی انتظامی با مردم کمترین ارزش و میانگین را به‌دست آوردند که به این ترتیب از مدل تحقیق، به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در جرم‌خیزی شهری حذف شدند. هم‌چنین در این میان میزان درآمد اقتصادی افراد، بیکاری و تورم بیشترین میانگین در بین پاسخ‌دهندگان به‌دست آوردند و تعداد اماکن فرهنگی در منطقه و میزان مشارکت‌پذیری مردم با دولت نیز کمترین میانگین را به‌دست آوردند. نتایج به‌دست آمده، جایگاه ویژه عوامل اقتصادی را در میان سایر عوامل نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی بیشترین ارتباط را با جرم‌خیزی شهری دارند. آنچه که شواهد نیز نشان می‌دهد بیشترین جرم‌های شهری در میان اقشار و طبقات محروم جامعه رخ می‌دهد که از درآمد کمتری در سطح فردی و در سطح خانوار برخوردارند؛ بنابراین می‌توان بیان کرد که سهم عوامل اقتصادی نسبت به عوامل زیست محیطی و اجتماعی در جرم‌خیزی شهری در میان ابعاد توسعه پایدار شهری بیشتر است. رویکرد اقتصاددانان به جرم و جنایت از دریچه منفعت- هزینه است؛ به همین دلیل انسان هنگامی مرتکب جرم می‌شود که هزینه آن از منافع‌اش کمتر باشد. هم‌چنین عوامل متعدد دیگری نظیر فقر، بیکاری، نابرابری در توزیع درآمد، صنعتی شدن شهرها و پدیده شهرنشینی بر وقوع جرم مؤثر است و تأثیرات آن در ایران نیز اندازه‌گیری شده است. حتی اقتصاددانان درجه تأثیرگذاری عوامل اجتماعی دیگری نظیر آموزش، مجازات‌های پیش‌گیری‌کننده و... را بر وقوع جرم، اندازه‌گیری کرده‌اند. بیکاری سبب فقر، نابرابری درآمد، مهاجرت، اختلاف خانوادگی و... می‌شود، البته برخی مطالعات وجود دارد که حاکی از عدم ارتباط یا ارتباط منفی بین بیکاری و جرم می‌باشد؛ اما آنچه که بدیهی است، این است که افراد هویت خود را در موقعیت کاری که دارند، جستجو می‌کنند و هرگاه برای تمام افراد جویای کار، شغلی یافت شود؛ آنگاه انگیزه آنها برای بروز جرم و جنایت کاهش می‌یابد. نرخ بیکاری عبارت است از، جمعیت بیکار به کل جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب در 100 که یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی هر کشوری پایین بودن نرخ بیکاری در آن است. از سویی دیگر، میزان بالای درآمد می‌تواند در راستای رفاه بیشتر باشد و حداقل امکانات لازم برای رفاه فرد را

فراهم کند. دسترسی به حمام مستقل در منازل مسکونی یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های رفاه اجتماعی است.

در میان عوامل فوق‌پس از عوامل اقتصادی، فاکتور تعاملات خانواده بیشترین میانگین و ارزش را به‌دست آورد که به عبارتی می‌توان گفت؛ محیط امن و آرام در خانواده برای هر کودکی باید بر اثر توجه والدین نسبت به یکدیگر به‌وجود آید تا آنان بتوانند بدون هرگونه ناراحتی در محیطی مناسب، دوران طفولیت و نوجوانی خود را به پایان برسانند. تفریح و ورزش با کودکان همیشه لذت‌بخش است و در زمان بازی است که کودک تجربه می‌کند و رعایت حقوق دیگران را می‌آموزد. پرخاشگری والدین نسبت به یکدیگر یا نسبت به فرزند خود، کودک را از محیط خانواده فراری و ناراضی می‌سازد و ممکن است این عدم رضایت، او را به سوی بزه‌کاری سوق دهد. از جمله عواملی که نظریه‌پردازان روان‌شناسی به آن توجه دارند، سطح سواد تحصیلی والدین است که می‌تواند تأثیر شایانی داشته باشد که بر اساس تحقیقات محمدزاده، با عنوان رتبه‌بندی شاخص‌های رفاه شهری مناطق مختلف شهری تهران، بیشترین فراوانی بی‌سوادی در گروه سنی 60 سال است. مناطق ۱۶، ۱۷، ۸، 19 و 20 دارای بیشترین افراد دارای سواد ابتدایی و پایین‌تر است و افراد دیپلم و پایین‌تر در مناطق 10، 11، 13، 17، 14 و 22 بیشترین تمرکز را دارند. عوامل محیطی نیز از آن دسته از عواملی بودند که در بین مردمی که در منطقه 17 تهران زندگی می‌کنند امتیاز ویژه‌ای را به خود اختصاص داد؛ به عبارتی می‌توان گفت محیط می‌تواند در یک فرد، به‌ویژه یک نوجوان تأثیر گذاشته و او را از یک فرد بزه‌کار و خشن به فردی با شخصیت متفاوت تبدیل کند؛ برای مثال تراکم جمعیت در این منطقه 4 برابر استانداردهای موجود می‌باشد به گونه‌ای که در هر هکتار به جای 90 نفر، 360 نفر مستقر هستند. اگر افراد غیربومی در ساعات عصر در منطقه حضور پیدا کنند؛ تراکم تعداد شاغلینی که در حال برگشت به خانه‌هایشان هستند به قدری است که گمان می‌شود که ساکنان در حال راه‌پیمایی هستند یا در پارک‌ها مراسم خاصی در حال برگزاری است. البته ممکن است در برخی موارد این خشونت بروز کند؛ اما میزان آن به نسبت گذشته بسیار پایین خواهد آمد. هم‌چنین تزریق پول و ایجاد تسهیلات ویژه برای خانواده‌های فقیر و حاشیه‌نشین شهر می‌تواند از میزان گرایش آنان به جرم بکاهد. این ایجاد تسهیلات اگر در راستای ایجاد اشتغال برای

آنان باشد، تأثیر عمیق‌تری خواهد داشت. در نهایت براساس یافته‌ها و با توجه به اولویت منطقه به بررسی نگاه مدیریت شهری به جرم‌خیزی شهری خواهیم پرداخت. با تشکیل اجتماعات بشری و شکل‌گیری شهرها، روند وقوع جرم، روبه‌فرونی نهاده و هرچه این اجتماعات گسترده‌تر شود، دامنه وقوع جرم نیز افزون می‌شود و لزوم مبارزه با آن و برنامه‌ریزی برای پیش‌گیری از جرم، امری انکارناپذیر و ضروری است. علماء علم جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی، هر یک از منظری، جرم و راه‌کارهای پیش‌گیری از آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ اما آن‌چه را که نباید هیچ‌گاه از نظر دور داشت، نقش مؤثر مدیریت اجتماعات بشری است که از آن به‌عنوان مدیریت شهری یاد می‌کنیم. بسیاری از دستگاه‌های دولتی به‌عنوان اجزاء مدیریت شهری در حوزه وظائف خود، تکالیفی را با عنوان مقررات قانونی عام و خاص، بر عهده مردم نهاده و تخلف از آن را جرم تلقی می‌کنند و عمل مرتکب را مستوجب مجازات می‌دانند، لیکن این دستگاه‌ها به‌موجب مقررات جاری کشور، خود نیز دارای وظائف و تکالیفی هستند که غفلت از آنها منجر به بروز بسیاری از جرایم می‌شود. شهرداری، مدیریت جهاد کشاورزی، اداره منابع طبیعی، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره تربیت بدنی و... از جمله دستگاه‌هایی هستند که با شهروندان به‌طور مستقیم ارتباط داشته و عدم برنامه‌ریزی مناسب و عملکرد ناآواب برخی از این دستگاه‌ها موجب شده تا بخش قابل توجهی از پرونده‌های متشکله در دستگاه قضایی مربوط به این دستگاه‌ها باشد. طراحی و جانمایی ساختمان‌ها، توجه به مبلمان شهری و پارک‌های عمومی، ایجاد تفرجگاه‌های عمومی در اراضی جنگلی خارج از شهرها، تعیین حریم روستاها و اجرای طرح‌های هادی برای جلوگیری از تعرض به اراضی زراعی و باغ‌ها، تعیین حریم و مشخص کردن محدوده اراضی ملی با تابلوهای هشدار دهنده، گسترش فضاهای ورزشی و مدیریت بر اماکن ورزشی به نحو غیرانتفاعی، برگزاری جشن‌های ملی و مذهبی با نگاهی فراتر از پر کردن اوقات فراغت، همه و همه از جمله اقداماتی است که بر عهده متولیان مدیریت شهری قرار داشته و اجرای صحیح آن می‌تواند نقش مؤثری در کاهش جرم ایفاء کند (تحلیل بیشتر توسط محققان و ارائه پیشنهاد بر اساس یافته‌ها به منطقه مورد مطالعه با تأکید بر اولویت‌ها).

نتیجه گیری

در این مقاله سعی شد تا مهم‌ترین عوامل در ایجاد جرم‌های شهری در منطقه 17 تهران شناسایی شوند که بر اساس داده‌های به‌دست آمده نقش عوامل اقتصادی بیشترین رتبه را به‌دست آورد و در ادامه، تعاملات موجود در خانواده و عوامل محیطی همانند تراکم جمعیت و سایر عوامل مورد توجه قرار گرفت. در این راستا باید گفت که وقوع جرم، به‌عنوان یک پدیده نامطلوب اجتماعی، علل اقتصادی و اجتماعی متعددی داشته و با توجه به اهمیت موضوع جرم در کشورهای مختلف، در سال‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای برای شناسایی و تبیین علل وقوع آن انجام شده است و پژوهشگران عوامل متعددی را مورد شناسایی قرار داده‌اند. یافته‌های این پژوهش در زمینه اهمیت عوامل اقتصادی در بروز جرم‌خیزی با یافته‌های رابرت جی و همکاران (2012)، در اهمیت عوامل فردی و خانوادگی با یافته‌های گیدنز (1392)، نظری (1387) و هم‌چنین در نقش فاکتورهای جغرافیایی و محیطی در جرم‌خیزی شهری با تحقیقات بیانلو و منصوریان (1385)، زنگی آبادی و رحیمی (1389)، شاه‌یوندی و دیگران (1388) و نهایتاً فنگ و همکاران (2015) همسو است؛ اما بر اساس یافته‌های این پژوهش باید اذعان داشت که عوامل اقتصادی، عامل اساسی برای تمام ساختارهای اجتماعی بوده و تأثیرات قابل توجهی بر روی فعالیت‌های فردی از جمله وقوع جرم دارد. این مقوله در سال‌های اخیر در کشور مورد توجه قرار گرفته و تحقیق حاضر کوششی در این راستا بوده است و مسئله‌ای که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، در نگاهی ویژه به پدیده جرم در شهرها در نگاه فردی می‌توان گفت؛ میل به موفقیت و برتری و علاقه به کسب قدرت و اهمیت، از تمایلات طبیعی بشر است. حال اگر فردی در جامعه احساس کند که در شرایط ناعادلانه قرار دارد، دست به اعمالی می‌زند که در خلال آن بتواند خود را نشان دهد و برای دستیابی به حقی که برای او در نظر گرفته نشده، به‌سوی جرم کشیده می‌شود. در این حالت فرد، به امکانات و پاداش‌هایی که احساس می‌کند از او گرفته شده، متمرکز می‌شود و دست به جرم و جنایت می‌زند. برای تحلیل این پدیده از بعد اقتصادی - روان‌شناسی می‌توان عنوان کرد که اگر فردی، مدتی که جویای کار بوده و نتوانسته شغل موردنظر خود را پیدا کند؛ در نتیجه، ممکن است به وی استرس و اضطراب روانی وارد شود که با رعایت نشدن اصل اقتصاد روانی، بستر مناسبی را برای

ارتکاب به جرم و جنایت فراهم می‌آورد. هم‌چنین یکی دیگر از کوشش‌های این پژوهش، تلاش برای توجه به تعاملات درون خانواده و ارزیابی اهمیت آن در بروز جرم‌خیزی بود، امری که در پژوهش‌های پیشین چندان مورد توجه قرار نگرفته بود. خانواده کانون اصلی تربیت و رشد کودکان است و اگر این ساختار دچار کژکارکردی باشد، طبیعتاً نتایج منفی و زیان‌بار آن در تمامی جنبه‌ها به‌ویژه در حوزه جرم‌خیزی و گرایش به جرم نمود پیدا خواهد کرد، مسئله‌ای که یافته‌های این پژوهش نیز مؤید آن بود. در پایان باید اشاره کرد که تلاش برای پیش‌گیری از جرایم، منحصراً در حوزه اختیارات قوه قضائیه نبوده و سایر دستگاه‌های دولتی از جمله شهرداری‌ها، مدیریت جهاد کشاورزی، منابع طبیعی، آموزش و پرورش، تربیت بدنی، سازمان ورزش و جوانان و... به‌عنوان نهادهای دولتی ذی‌مدخل در امر مدیریت شهری می‌توانند نقش مؤثر و سازنده‌ای را ایفاء کنند. عملکرد شهرداری‌ها در ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین شهرها و برنامه‌ریزی برای پیش‌گیری از تشکیل این‌گونه محلات، موجب جلوگیری از تجمع بخش اعظمی از مجرمان و عدم ظهور قابلیت‌های فردی مجرمان بالقوه در نتیجهٔ اثرپذیری از محیط اجتماعی است. هم‌چنین نقش شهرداری‌ها در پیش‌گیری از جرایم تصرف عدوانی و انتقال مال غیر، از طریق تسهیل صدور مجوز دیوارکشی در اراضی خصوصی و دولتی، قابل توجه است. افزون بر اینکه توجه به طراحی فضاهای عمومی همچون پارک‌ها و در نظر گرفتن آداب و رسوم و عقاید مذهبی نیز از این مهم بی‌بهره نیست. مدیریت‌های جهادکشاورزی و ادارات منابع طبیعی به‌عنوان دیگر دستگاه‌هایی که طرف دعوی تعداد قابل توجهی از پرونده‌های کیفری می‌باشند با اتخاذ تصمیمات مناسب و کارآمد و اجرای طرح‌ها و تأمین مایحتاج ضروری روستائیان و عشایر می‌توانند در پیش‌گیری از جرم مؤثر واقع شوند.

پیشنهادها

بر مبنای نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- 1- همان‌گونه که در بخش نتایج ذکر شد عوامل اقتصادی بالاترین نقش را در جرم‌خیزی داشتند که این می‌تواند نقش بیش از پیش دولت را در توسعه زیرساخت‌های اقتصادی در این منطقه نشان دهد که با کارآفرینی در رشته‌های

- مختلف صنعتی خدماتی زمینه افزایش درآمد ساکنان این منطقه را افزایش دهد تا از بروز جرم‌های شهری در این منطقه جلوگیری کند.
- 2- فاکتور دیگری که تأثیرگذاری بالایی را به خود اختصاص داده، تعاملات موجود در خانواده بود که می‌توان با ایجاد مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی و فعالیت این مراکز در قالب برگزاری کلاس‌های آموزشی و انجام مداخلات خانواده‌محور به‌صورت رایگان، این مهم را پوشش داد و از پروراندن فرزندان مجرم در کانون خانواده‌ها جلوگیری کرد.
- 3- همچنین از نظر فضاهای جغرافیایی نیز در منطقه 17 تهران بر اساس مطالعات مختلف صورت گرفته در این زمینه، این منطقه را به لحاظ موقعیت محیطی، فضایی جرم‌ساز توصیف کرده‌اند که پیش‌تر اشاره شد؛ بنابراین می‌توان با افزایش نور محیطی، گسترش فضاهای عمومی و باز، در نقش پیش‌گیری ظاهر شد.

منابع

- احمدی، سجاد (1392). تحلیل فضایی الگوهای بزهکاری در منطقه 17 شهرداری تهران. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال سیزدهم، شماره 31، زمستان 92.
- ارندت، رندال (1999). منشور نوشهر گرایی. ترجمه علیرضا دانش و رضا بصیری مژدهی، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران (1387).
- آیت، آیت‌الله؛ کلاتری، محسن (1386). تأثیر شرایط محیطی بر وقوع بزه‌کاری و راه‌کارهای پیش‌گیری از آن. فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، سال دوم، شماره پنجم، زمستان 1386.
- بیانلو، یوسف؛ منصوریان، محمد کریم (1385). رابطه تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره 22.
- پیله‌رو، پیمان (1392). نقش مهم دولت در پیش‌گیری از جرم. فصلنامه حق گستر، صص 22-5.
- خاکپور، براتعلی؛ رضانی، مرتضی (1388). ارزیابی تأثیر امکانات و خدمات فرهنگی بر کاهش جرایم شهر مشهر در راستای توسعه پایدار شهری. همایش منطقه‌ای جغرافیا و توسعه پایدار شهرها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان.
- زنگی آبادی، علی؛ رحیمی نادر، حسین (1389). تحلیل فضایی جرم در شهر کرج با استفاده از GIS. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره 40، شماره 2، صص 179-198.
- زاهدی، محمد جواد (1385). توسعه و نابرابری. تهران: انتشارات مازیار.
- ستوده، هدایت‌الله (1388). آسیب‌های اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). انتشارات آوای نور، چاپ یازدهم.
- سریرافراز، محمد (1388). پیش‌گیری از وقوع جرم و فعایت بسترساز برقراری جامعه ایمن. تهران: نشر شهر.
- سروستانی، رحمت‌الله (1386). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). انتشارات سمت.
- معظمی، میترا (1387). سایت مطالعات شهری. مقاله تحلیل اکولوژیک بزه‌کاری.
- شاه‌یوندی، احمد؛ ریسی وانانی، رضا؛ شیخی، حجت (1388). تحلیلی بر توزیع فضایی جرایم در مناطق شهری اصفهان. فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره چهارم، صص 153-182.
- شیعه، احسان (1389). دانشنامه مدیریت روستایی و شهری. تهران: انتشارات سازمان‌های شهرداری.

- صمدیار، محمد (1389). تأثیر مهاجرت در ارتکاب جرم. ماهنامه شهرداری‌ها، شماره 23، تهران.
- صادقی، حسین و همکاران (1384). تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره 68.
- عبادی‌نژاد، سید علی (1387). میزان احساس امنیت شهروندان. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ص 146.
- فیروز بخت، علی (1391). راهبردهای ساختار زیست محیطی شهر با رویکرد توسعه پایدار شهری. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 80.
- ابادی، قوام؛ رضانی، محمدحسین (1390). پیش‌گیری و سرکوب جرایم محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام‌های حقوقی بین‌المللی. مجله حقوقی دادگستری، شماره 75، پاییز، صص 199-244.
- محسن، کلانتری؛ اکبر، هدایتی؛ الهام، عباسی (1388). بررسی تأثیر نوع و میزان کاربری اراضی در شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS. (مورد مطالعه: قاجاق و سوء مصرف مواد مخدر در شهر قزوین)، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره سوم.
- گیدنز، آنتونی (1392). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشرنی.
- مولدان، بدریچ؛ بیلهارز، سوزان (1387). شاخص‌های توسعه پایدار. انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست، تهران: ج اول، صص 1380-1381.
- محمد زاده اصل، نازی (1391). رتبه‌بندی شاخص‌های رفاه شهری مناطق مختلف شهری تهران. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال سوم تابستان 91، ص 89.
- نظری، مرتضی (1387). توسعه فرهنگی در ایران موانع و دشواری‌ها. www.aftab.ir/Articel. تهران.
- همتی، رضا (1390). پلیس جامعه محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی. فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره سوم.
- هدایی، فرخ (1389). شناخت شخصیت مجرمانه و راه‌های درمان آن. پرتال جامع علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Charles, A, T.(1995). sustainability assessment for fishery system. Working paper-FM's 07-95 department of finance and management science, Saint Mary, s university, Canada.
- Cozens, P and Love,T. (2015). A Review and Current Status of Crime Prevention through Environmental Design (CPTED). Journal of Planning Literature 1-20.

- Cozens ,P (2002). Sustainable Urban Development and Crime Prevention Through Environmental Design for the British City. Towards an Effective Urban Environmentalism for the 21st Century.
- Clarke , Ronald V (1997). THE THEORY OF CRIME PREVENTION THROUGH ENVIRONMENTAL DESIGN. Security Journal 1: 160-163.
- Drivakis-smith, D(1996) "sustainable urbanization, and development", third world planning review.
- Feng,J Dong,Y & Song,L.(2015). A spatio-temporal analysis of urban crime in Beijing: Based on data for property crime. Urban Studies Journal ,PP (1-23).
- Hall, P and Pfiffer, U.(2000)."Urban Future" 21.E & FN Spoon.
- Julie Berry ,C and Levitt,S,D.(1999). CRIME, URBAN FLIGHT, AND THE CONSEQUENCES FOR CITIES. The Review of Economics and Statistics, May 1999, 81(2): 159-169.
- Mitchell Miller,J.(2009). 21st Century Criminology :A Reference Handbook. SAGE Publications Inc, (1).
- Newman, O. (2003). DEFENSIBLE SPACE - CRIME PREVENTION THROUGH URBAN DESIGN, Macmillan.175 Fifth Avenue, New York, NY 10010.
- Ralph B. Jeanette Covington and taylor (1998). FEAR OF CRIME IN URBAN RESIDENTIAL NEIGHBORHOODS, Article first published online: 21 APR 2005, DOI: 10.1111/j.1533-8525.1991.tb00355.
- Sampson R, j and julice ,w. (2003). Toward a theory of race, crime in urban inequality.
- Schweitzer, John H, Kim, June Woo & Juliette R.(1999). Mackin The Impact of the Built Environment on Crime and Fear of Crime in Urban Neighborhoods, Journal of Urban Technology, Volume 6, Issue 3.
- Schneider, R. H. & Kitchen, T. (2007). Crime Prevention and the Built Environment, Routledge.